
تالشان کیستند؟

تألیف

علی عبدلی

سرشناسه	عبدلی، علی، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	تالشان کیستند؟ / تألیف علی عبدلی.
وضعیت ویراست	ویراست ۳.
مشخصات نشر	تهران: جامعه‌نگر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	۴۲۲ ص. : مصور.
شابک	۵۹۰۰۰ ریال: 7-076-101-600-978
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا.
یادداشت	کتاب حاضر تحت عنوان "تالش‌ها کیستند؟" نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر	تالش‌ها کیستند؟
موضوع	تالش
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ ۷ع۲ الف / ۲۰۷۹ DSR
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۲۳۶
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی	۲۱۰۶۳۸۸



این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه‌ی مؤلف (ناشر)، نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

- تالشان کیستند؟
- مؤلف: علی عبدلی
- ناشر: نشر جامعه‌نگر
- نوبت و سال چاپ: ویراست سوم - چاپ اول - ۱۳۹۱
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- صفحه‌آرایی: آرساگو
- طرح جلد: مریم رضایی
- لیتوگرافی: آبرنگ، چاپ: آفرنگ، صحافی: چاوش
- بها: ۵۹۰۰ تومان
- شابک: ۷-۷۶-۱۰۱-۶۰۰-۹۷۸

مراکز پخش و فروش

نمایشگاه و فروشگاه مرکزی جامعه‌نگر و نشر سالمی
تهران: خ انقلاب - مقابل درب اصلی دانشگاه تهران - خ فخر رازی - خ نظری غربی - شماره ۸۲ - تلفن: ۶۶۴۹۳۷۱۶ - ۶۶۴۹۴۱۸۷

فروش اینترنتی: www.jameenegar.com

کتاب‌فروشی‌های معتبر پزیشکی سراسر کشور

- اراک: حیدری - اردبیل: خیام - ارومیه: شاهد ایثارگران - اصفهان: رازی - یزد: اک - اهواز: رشد - بین‌الملل: مهاباد: علی‌زاده - بجنورد: به‌نشر - بروجرد: ولایت - بندر عباس: استاد - بوشهر: نمایشگاه دایمی محمدپور - بیرجند: آذین - تالش: جامعه‌نگر - تبریز: بابک - صادق‌زاده - رستم‌زاده - تنکابن: میرچی - چهارم: کلیه کتاب - خرم‌دره: معلم ۲ - خرم‌آباد: نشر دانشگاهیان - رشت: دانشگاه آزاد پل طالشان - ارجمند - مزده - زاهدان: کالج - زنجان: شهر کتاب - ساری: هدف - ساوه: کوثر - سمنان: نسیم - شیراز: جمالی - مرکز نشر دانشگاهی - قم: فاضل - کاشان: خانه کتاب - کرمان: پایروس - حاجی‌پور - کرمانشاه: دانشمند - گرگان: دانشجو - مشهد: دانشجو - نمایشگاه علوم پزشکی جهاد دانشگاهی - همدان: روزاندیش - دانشجو.

یادداشتی بر ویراست سوم

از تاریخ نخستین چاپ این کتاب با نام «تالشی‌ها کیستند» حدود ۲۴ سال و از زمان چاپ دوم آن بیش از ۲۰ سال سپری شده است. در طول این مدت نگارنده بیش از یک دوجین اثر جدید چاپ و منتشر کرده است که در بین آن‌ها عناوینی می‌توان یافت که مهم‌تر از «تالشی‌ها کیستند» می‌باشند. ولی بسیاری از مردم هنوز نگارنده را با «تالشی‌ها کیستند» می‌شناسند و برای تهیه یا معرفی منابع تالش‌شناسی، بیشتر نام این کتاب به ذهن‌شان می‌رسد.

اکنون پس از سپری شدن بیش از ۲۰ سال از تاریخ انتشار آخرین چاپ «تالشی‌ها کیستند»، لازم بود که درباره چاپ سوم آن اقدامی صورت بگیرد. اما به لحاظ اینکه در طول دو دهه‌ی گذشته مقالات جدیدی همانند مقالات «تالشی‌ها کیستند» فراهم آمده بود، نخست بر آن شدیم که آن مقاله‌ها به عنوان جلد دوم «تالشی‌ها کیستند» چاپ شود؛ ولی چون در چاپ‌های پیشین آن کتاب مطالبی وجود داشت که بعدها هر یک به صورت کتاب جداگانه‌ای درآمدند یا نسخه‌ی کتابی دیگر منتشر شدند، کتاب یاد شده نمی‌توانست با عنوان جلد اول به چاپ برسد. از این رو مقالات جدید و مقالات قابل چاپ کتاب «تالشی‌ها کیستند» در یک جلد گرد آمدند و اکنون با نام «تالشان کیستند» تقدیم مخاطبان این اثر و دوستداران موضوعات تالش‌شناسی می‌شود.

با این امید که توانسته باشیم چیزی بر کیفیت و شگفتی «تالشی‌ها کیستند» بیفزاییم.

علی عبدلی

فهرست مطالب

مقدمه: تالش در یک نگاه.....	۱۱
فصل اول: تاریخ.....	۱۹
تاریخچه جمهوری خودمختار تالش - مغان.....	۱۹
تالشان.....	۲۸
فرزندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در تالش امروز.....	۳۵
ترکیب قومی در گیلان باستان.....	۳۹
مقدمه‌ای بر بازشناسی نهضت چکل.....	۴۵
تالش گشتاسپی.....	۴۹
تبار و هویت بابک خرم‌دین.....	۵۲
فصل دوم: دین و عرفان.....	۵۵
ورود اسلام به تالش.....	۵۵
پیری در پرده ابهام.....	۶۱
برزکو و مشایخ دایو.....	۶۵
فصل سوم: فرهنگ عامه.....	۷۱
معرکه در گیلان.....	۷۱
تجربه‌ها و باورهای پزشکی تالشان.....	۸۰
آب و آفتاب در فرهنگ تالش.....	۹۲
چیستان‌های تالشی.....	۹۵
فرهنگ عامه تالش.....	۱۰۴
نوروز در قفقاز.....	۱۱۰
محرم در تالش.....	۱۱۵
نغمه‌های نوروزی.....	۱۱۹
دویدم و دویدم.....	۱۲۲

۱۲۵	 موسیقی تالش
۱۵۹	 اسطوره‌های تالشی
۱۷۵	 فصل چهارم: زبان و ادبیات
۱۷۵	 غزل‌های آذری بدر شیروانی
۱۷۹	 پدر شعر تالشی
۱۸۳	 چون غرض آید...
۱۸۸	 توفیق الهام
۱۹۱	 زبان واحد ادبی برای تالشان
۱۹۵	 فصل پنجم: بررسی و معرفی کتاب و مطبوعات
۱۹۵	 کتاب‌شناسی تالش
۲۰۰	 تالش در صفوة‌الصفاء
۲۰۴	 نگاهی به فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی
۲۱۸	 معرفی کتاب منیم ماساللی
۲۲۱	 یک کتاب و یک مسئله
۲۲۶	 گیلان‌شناسی در خارج از کشور
۲۲۸	 نگاهی به نسخه خطی یک جنگ ادبی و دینی
۲۳۵	 معرفی منابع تالش‌شناسی خارج از کشور
۲۳۹	 منابع تات‌شناسی در خارج از کشور
۲۴۲	 مطالعاتی درباره تاریخ و زبان و فرهنگ آذربایجان
۲۴۶	 فصلنامه تحقیقات تالش، نامی به یاد ماندنی
۲۵۳	 معرفی نشریه ویژه تالش
۲۶۱	 فصل ششم: گوناگون
۲۶۱	 تولد تالش‌شناسی
۲۶۸	 نگاهی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به قوم تالش
۲۹۰	 تالشان دیلمی
۲۹۳	 دام، جنگل، جنگل‌نشینان

۲۹۷	 ایسپیه مزگتی دیگر
۳۰۱	 جستاری از حضور زن تالش در اسناد و منابع
۳۰۵	 خلخال یا هروآباد، شاهرود یا امامرود
۳۰۷	 بازارهای تالش
۳۲۲	 نام و هویت
۳۲۶	 نگاهی به جاذبه‌های گردشگری تالش
۳۲۹	 فصل هفتم: گفتگوها
۳۲۹	 جنبش تالش‌شناسی
۳۵۰	 عبدلی شاعر
۳۵۷	 بررسی آرمانگرایی در جنبش‌های قومی
۳۶۵	 برای من هر روز جشن تالش است
۳۷۱	 صحبت رو در رو
۳۷۶	 میراث عظیم فرهنگ و زبان ایرانی در معرض اضمحلال قرار دارد
۳۸۲	 فرهنگ و ادبیات در آینه گیلان امروز
۳۸۷	 گفت و گوی «کادح» با علی عبدلی
۳۹۳	 فصل هشتم: سفرنامه
۳۹۳	 از ما و بی ما
۴۱۹	 کتاب‌شناسی
۴۲۵	 ضمیمه: آلبوم عکس‌ها

تالش در یک نگاه^(۱)

نام تالش

در اسناد و منابع پیش از اسلام، کلمه «تالش» دیده نشده است. بسیاری از پژوهشگران، تالش را با قوم «کادوس» که از آن در منابع یونان و روم باستان یاد شده است، یکی می‌دانند (پیرنیا ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۱۲۹؛ رضا ۱۳۶۰، ص ۱۶ و ۱۷؛ کسروی ۱۳۵۶، ص ۲۸۳ و ۵-۲۲۴).

به نظر می‌رسد «تاتاگوش» مندرج در کتیبه‌های هخامنشی و «تاتای گین گبری» آمده در الواح آشوری، با تالش کنونی یکی باشد. یونانیان این کلمه را «کادوس» خوانده‌اند (عبدلی ۱۳۷۸ الف، ص ۱۸ تا ۲۹). در منابع سده‌های نخست اسلام از این قوم با نام طلیسان یاد شده است. یاقوت حموی ذیل ماده طلیسان، به نقل از اصمعی، لغت‌شناس سده دوم هجری توضیح می‌دهد که طلیسان با تالشان یکی است (السترنج ۱۳۶۴، ص ۱۸۶). واژه طلیسان در اواسط سده هفتم ه. ق متروک و کلمه تالش به جای آن تدریجاً وارد منابع تاریخ و جغرافیای ایران شده است (حافظ ابرو ۱۳۱۷، ص ۷۳؛ دانشنامه جهان اسلام ذیل تالش).

سیمای تاریخی

از تالشان (کادوسان) در زمره اقوام ساکن در نجد ایران، پیش از ورود آریایی‌ها به این سرزمین یاد شده است (پیرنیا ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۷) در تاریخ ماد آمده است: کادوسیایان یک قبیله مهم مستقل بودند که در کوه جنوب ارس، نزدیک دریای کاسپین زندگی می‌کردند (دیاکونوف ۱۳۵۷، ص ۶۰۷). بنا به برخی روایات این قبیله در اتحادیه‌ای که به تشکیل دولت ماد انجامید، عضویت داشته و در اواخر دوره مادها از آن اتحادیه خارج شده است (پیرنیا، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۰).

تالشان برای نخستین بار به اطاعت از کوروش بزرگ گردن نهاده‌اند (دیاکونوف، ص ۶۰۸). به روایتی دیگر اقوام سلحشور و کوه‌نشین کادوس نه تنها در زمان مادها در استقلال به سر می‌برد، بلکه تبعیت هخامنشیان را نیز

نپذیرفت (علی‌اف ۱۳۷۸، ص ۳۱). کادوس‌ها تا زمان سلطنت شاهپور اول - ۴۴۰ میلادی - از استقلال کامل برخوردار بودند خودزکو، ۱۳۵۴، ص ۱۹).

گویا در اوایل اسلام سرزمین تالشان هم زمان با دیار دیلم و بَیَر یک بار به وسیله ولید بن عَقبَیة بن ابی‌معیط و یک بار نیز به وسیله برائین غازب، گشوده شده است (طبری ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۹۰۲؛ بلاذری ۱۳۶۴، ص ۷۷ و ۸۱، ابن اثیر ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۱).

از سکوت منابع تاریخی در مورد قوم تالش تا دوره ایلخانان مغول می‌توان این استنباط را داشت که قوم مذکور در جریان رویدادهای مهم آن دوران مستقلاً حضور قابل‌ذکری نداشته است. در دوره مغول، تالشان به لحاظ حفظ اقتدار سنتی خود یاغی به شمار می‌آمدند و گویا به امر الجایتو در سال ۶۷۰ هـ. ق سرکوب و تاراج شدند (حافظ ابرو ۱۳۱۷، ص ۷۳؛ آیینو ۱۲۵۰، ص ۴۶۱).

تیموریان با قوم تالش رابطاتی بر سبیل مدارا داشته‌اند. بنا به نوشته حافظ ابرو (ج ۴، ص ۷۵۰)، بزرگان تالش در سال ۸۲۴ هـ. ق به ملاقات شاه‌رخ تیموری در قره‌باغ رفته‌اند. اما پس از مرگ تیمور و بروز آثار ضعف در دولت‌گورکانی، تالشان بر جانشینان وی یاغی می‌شوند (ابوبکر تهرانی ۱۳۵۶، ص ۴۹۳).

تالشان در اواخر دوره تیموری نزدیک‌ترین روابط را با خانقاه شیخ صفی داشته‌اند. تاریخ‌امینی گواهی می‌دهد که پشتیبانان اصلی شیخ صفی دو گروه بودند؛ یکی ارای و لایت تالش و دیگر بزرگان آسیای صغیر. همین دو گروه بودند که از فرزند او، شیخ صدرالدین به صورت گسترده حمایت کردند (مینورسکی ۱۳۶۱، ص ۲۴۱). در لشکرکشی شیخ حیدر به داغستان، بخش مهمی از لشکریان وی را تالشان تشکیل می‌دادند (جهانگشای خاقان ۱۳۶۴، ص ۲۳۸).

پس از مرگ شیخ حیدر سرپرستی فرزند وی اسماعیل میرزا عملاً بر عهده تالشان قرار گرفت. گروه اندکی از صوفیان از جمله دذبیگ تالش در آن امر نقش اصلی داشتند (ترکمان ۱۳۶۴، ص ۲۲).

با ظهور دولت افشاریه، قوم تالش نخست اظهار تبعیت می‌نماید و پانصد تن از فرزندان اعیان تالش داوطلبانه مأمور خدمت در اردوی نادر می‌شوند (برادیکاهی ۱۳۷۸، ص ۵۸-۵۷). اما فشارهای مالیاتی و سیاسی بر تالشان در سال ۱۷۷۴ میلادی منجر به قیام گسترده آنها به قصد براندازی دولت نادرشاه می‌شود (آرنوا ۱۳۵۶، ص ۲۰۲).

در دوره زندیه و اوایل قاجاریه، قوم تالش در سه حاکم‌نشین لنکران و گسکر و فومن متمرکز بود (میرزا احمد ۱۳۸۰، ص ۳۲). با وقوع جنگ‌های استعماری روسیه علیه ایران و به موجب عقد قرارداد ننگین ترکمنچای در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸، نیمه شمالی سرزمین قومی تالش به مرکزیت لنکران تا رودخانه آستاراچای به تصرف روسیه درآمد و نیمه جنوبی آن به صورت هشت حاکم‌نشین با نام‌های: نمین و آستارا، کرگانرود، اسالم، تالش‌دولا، شاندرمن، ماسال، فومن و شفت، در ترکیب ایران باقی ماند.

سرزمین

منطقه قومی تالش از حدود شهرستان رودبار گیلان آغاز می‌شود و با دربرگرفتن سراسر ابریز شرقی البرز شمالی - جبال تالش و جلگه‌های ساحلی آن، از کپورچال تا مغان شرقی و شهرستان سالیان در خاک شیروان (جمهوری آذربایجان کنونی) امتداد می‌یابد (عبدلی ۱۳۸۰ الف، ص ۱۱۲). مارسل بازن با ترسیم نقشه‌هایی، حدود منطقه‌ی مذکور را مشخص کرده است (ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱؛ ج ۲، ص ۶۳۶ و ۶۳۹). این منطقه به سه حوزه تقسیم می‌شود:

- ۱- حوزه شمالی شامل شهرستان‌های - رایون‌های: آستارا، لنکران، لریک، ماساللی، بیله‌سوار، یاردملی و جلیل‌آباد (رجبوف ۱۹۹۲، ص ۲).
 - ۲- حوزه میانی شامل شهرستان‌های: آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال.
 - ۳- حوزه جنوبی که در برگیرنده شهرستان‌های فومن و شفت می‌باشد و مارسل بازن حدود این حوزه را از شاندرمن تا چنار رودخان نوشته است (ج ۲، ۶۳۲).
- بخش‌هایی از منطقه قومی تالش نیز در محدوده شهرستان‌های نمین، رودبار، بندر انزلی و صومعه‌سرا قرار گرفته است (بازن، ج ۲، ص ۶۳۴).
- نقاط مسکونی تالشان در گذشته بیشتر از حال به سوی شمال پیش رفته بود و با نقاط تات‌نشین جنوب قفقاز تماس می‌یافت (آرانسکی ۱۳۵۸، ص ۳۱۷) و به نظر می‌رسد که از جانب شمال غرب نیز به آرسباران و رودخانه ارس امتداد می‌یافت و با میتانیان و ارمنیان همسایه بودند (علی‌اف، ص ۳۰؛ دیاکونوف، ص ۶۰۷). آثار این گسترده‌گی در شمال غربی پیوسته آشکار بوده است، چنانکه در اواسط سده هفتم ه. ق اهالی کلیبر هنوز مرکب از ترک و تالش بودند (مستوفی ۱۳۶۲، ص ۸۴) و نام تالش هنوز بر روی چند طایفه بزرگ مغان و ساکن در اراضی جنوب ارس، همچون میکائیل‌لو و قوجه‌بیگل‌لو که دست‌کم نیم قرن پیش از این مشتمل بر ۵۰۰۰ خانوار بودند، باقی مانده است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل تالش).

پراکندگی

اطلس پراکندگی تالشان بسیار گسترده است. در ایران علاوه بر خانواده‌های نسبتاً زیادی که به دلایل مختلف، زادبوم خود را تدریجاً ترک و در استان‌های دیگر و حتی در خارج از کشور مقیم شده‌اند، گروه‌ها و تیره‌های متعددی از آنها در طول سده‌های گذشته به نقاطی دیگر کوچانده شده‌اند (عبدلی ۱۳۶۹، ص ۱۷۳). تالشان مهاجر اغلب در محل سکونت جدید، از لحاظ زبان و فرهنگ تحلیل رفته‌اند ولی نامشان هنوز بر روی روستاها و محله‌های مورد سکونتشان باقی مانده است. اکنون در بخش‌های: مرکزی رشت، چهار اویماق مراغه، نشتارود تنکابن، مسیر جاده لاهیجان به لنگرود، رامسر، گیلخوران قائمشهر و بهشهر، آبادی‌هایی به نام تالش محله وجود دارد (لغت‌نامه

دمخدا، ذیل طالبش). همچنین در جمهوری آذربایجان علاوه بر سراسر اراضی جنوب رودخانه کورا، در شهرستان‌های: جواد، شماخی و جوانشیر نیز نه روستای تالش‌نشین وجود دارد (ولیلی 1993، ص ۵۳).

در زمان حکومت استالین، گروه‌های کثیری از تالشان جمهوری آذربایجان به دیگر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی تبعید شدند و اکنون در کشور قزاقستان، شهرها و روستاهای: چیمکنت ۱۵۰ خانوار، جوناود ۲۰۰ خانوار، آریس ۲۰۰ خانوار، مامايفکا ۵۰۰ خانوار، حومه‌ی شهر چیمکنت ۵۴۰ خانوار تالش زندگی می‌کنند و خانوارهایی نیز در روستاهای: چرینفکا و خواجه طوغار، سوت‌کند، چالدار، فولوت و رباط کشور مذکور به سر می‌برند (عبدلی، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

ساختار اجتماعی

جامعه‌ی قومی تالش دارای ساختار ایلی و مبتنی است بر: کوچ «خانواده»، دَذزُوا «دودمان»، طایفه، تیره و ال «ایل». هر یک از این ارکان پنج‌گانه تعریف ویژه خود را دارد (عبدلی ۱۳۷۳، ص ۳۹).

ساختار ایلی در تالش شمالی در هم ریخته است، در تالش جنوبی خصوصاً در نقاطی که زبان ترکی کاملاً جایگزین تالشی شده است روبه فراموشی پیاده و در منطقه بین شهرهای تالش و ماسال کاملاً حفظ شده است. اهالی منطقه مذکور با نام و سلسله مراتب ایلی خود آشنا هستند به طور مثال، شاندرمینی (شاندرمنی) ها خود را وابسته به هشت تیره (طایفه) به نام‌های: بای زَا، خُسا زَا، چَپ زَا، ایسی زَا، آیما ت، سیا مئرد، ماف و سنان می‌دانند. این تیره‌ها ایل شاندرمین را تشکیل می‌دهند و با تالش‌ولایی‌ها ایل خود را متشکل از تیره‌های: آردج، وِسکج، بوذغ، سیندی، ره ش، رینج، مین رچ و ال لَئش می‌دانند.

کار و پیشه

قوم تالش متشکل از دو بخش کوه‌نشین = کوئج و جلگه‌نشین = گیلونج می‌باشد. بخش کوه‌نشین دربرگیرنده دو گروه اصلی شغلی است: ۱) دامدار کوچ‌نشین و ۲) چندپیشه اسکان یافته.

جلگه‌نشینان نیز به دو بخش اصلی شهرنشین و روستائین تقسیم می‌شوند. شهرنشینان در زمینه کارمندی، کارگری، صنعت، تجارت و خدمات اشتغال دارند. بخشی از آنان دارای قطعه زمینی مزروعی در روستا و حاشیه شهر می‌باشند. روستائینان نیز عموماً در زمینه کشت برنج و امور جنبی مانند باغداری، پرورش زنبور، پرورش کرم ابریشم، نگهداری دام و طیور فعالیت دارند (عبدلی ۱۳۷۳، ص ۷۶-۷۲؛ بازن ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۱).

با اجرای سیاست «خروج دام از جنگل» و بیرون راندن اجباری خانوارهای کوه‌نشین از محیط کار و زندگی اجدادی آنها و رها ساختنشان در حاشیه شهرها از دهه ۱۳۷۰ به این سو، بخش مهم و سنتی جامعه تالش شاهد وقوع فاجعه‌ای می‌باشد که در سراسر تاریخ آن قوم اتفاقی سهمگین‌تر از آن رخ نداده است. بر اثر آن سیاست،

کوه - جنگل نشینان تالش نه تنها زمین، شغل و ممر معاش شرافتمندانه خود را از دست می‌دهد و ساختار اجتماعی‌اش درهم کوبیده می‌شود، بلکه از لحاظ هویت و فرهنگ نیز دچار بحران و اضمحلال می‌گردد.

زبان

زبانی که قوم تالش بدان سخن می‌گویند «تالشی» نامیده می‌شود. تالشی از جمله زبان‌های موسوم به هند و اروپایی است که به شاخه شمال غرب گروه زبان‌های ایرانی باز بسته است. (رجبوف، ص ۳). به استناد آمار غیر رسمی اما مستند به پژوهش‌های موقوف میدانی، در تالش شمالی بیش از هشتصد هزار نفر و در تالش جنوبی بیش از پانصد هزار نفر به زبان تالشی سخن می‌گویند.

زبان تالشی فاقد خط و سابقه ادبیات مکتوب و صورت ادبی می‌باشد (صادق‌زاده ۲۰۰۲، ص ۱۳-۱۱). از این رو در سیر تحولات تاریخی به لهجه‌های متعددی تقسیم شده است و فاصله آن لهجه‌ها از شمال به جنوب به حدی می‌رسد که اهالی دو منطقه دور از هم به دشواری سخن یکدیگر را درک می‌کنند. لهجه‌های متعدد زبان تالشی ساختار دستوری، ویژگی آوایی و اشتراکات لغوی در سه گروه همگون قرار می‌گیرند و آن سه عبارتند از:

۱- تالشی شمال: شامل تالش جمهوری آذربایجان و شهرستان‌های نمین و آستارا.

۲- تالش میانی: شامل کرگانرود، اسالم و تالش‌دولا.

۳- تالش جنوبی: که در برگرنده شهرستان‌های ماسال و فومن و شفت می‌باشد (عبدلی ۱۳۸۰، ب، ص

۳۱).

زبان تالشی از مشخصات ویژه‌ای برخوردار است که نخستین کسانی را که به آن زبان علاقمند شده‌اند، متعجب کرده است (بازن، ج ۲، ص ۴۱۵). از جمله ویژگی‌های آن زبان، کثرت و مهجوری ترکیب اصوات باشد که در بسیاری موارد با زبان پارسی تفاوت داشته و با مادی و پارتی و اوستایی شباهت دارد (دیاکونوف، ص ۹۰)، تا جایی که در بازسازی زبان مادی باستان که تاکنون بیشتر بر اساس آثار آن زبان در کتیبه‌های هخامنشی صورت گرفته است، اکنون می‌توان تالشی را نیز ملحوظ داشت (یارشاطر ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۶۹).

مذهب

تالشان مسلمان و پیرو مذاهب شیعه و سنی شافعی می‌باشند. بخشی از تالشان نیز پیرو امام حنبل بودند ولی بعدها تغییر مذهب داده‌اند. در این باره آمده است: در سده چهارم ه. ق بیشتر گیلانیان، از آن جمله ساکنان نواحی گسکر و فومن، سنی حنبلی بودند (مقدس ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۴۲). بنا به نوشته عمری دمشقی در کتاب مسالک‌الابصار، گیلان بیه‌پس شامل چهار شهر بزرگ با نام‌های: فومن، گسکر و رشت بوده و مردم آن بر

مذهب حنبلی بودند (ستوده ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲). حمدالله مستوفی (ص ۹۳) از تالش شمالی با نام گشتاسفی یاد کرده و نوشته است که مردمش بر مذهب امام شافعی می‌باشند. آن بخش از جامعه قومی تالش که حنبلی بودند بعدها اغلب به شیعه‌ی امامی تغییر مذهب داده‌اند. اکنون رواج مذهب شافعی به موازات مذهب شیعه از مرز شاندرمن آغاز می‌شود و به سوی شمال تا حدود آستارا ادامه می‌یابد و از آنجا به بعد جای خود را به اکثریت شیعه می‌دهد (بازن، ج ۲، ص ۶۱۹). خانقاه نقشبندیه تنها طریقت صاحب نفوذ در بین تالش‌ان سنی به شمار می‌آید.

منابع

- ۱- ابن اثیر، امام عبدالدین الجوزی، الکامل (اخبار ایران)، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۲- عبدلی، علی، تاریخ تالش، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- ۳- آرانسکی، میخائیلوویچ، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۸ ش.
- ۴- بازن، مارسل، تالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران، ترجمه محمد امین فرشچیان، مشهد، ۱۳۶۷ ش.
- ۵- باکیخانوف، عباسقلی آقا، گلستان ارم به کوشش عبدالکریم آقازاده و دیگران، باکو، ۱۹۷۰ م.
- ۶- بلادری، احمدبن عیسی، فتوح البلدان، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۷- بورادیه‌ای، سعید علی، جواهرنامه لنکران، در کتاب چهار رساله در زمینه تاریخ و جغرافیای تالش، به کوشش علی عبدلی، رشت، ۱۳۷۸ ش.
- ۸- ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم‌آرای عباسی، چاپ اسماعیل برادران شاهرودی، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۹- تهرانی، ابوبکر، دیار بکر، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سرور، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- ۱۰- جهانگشای خاقان، چاپ الله دتا مظفر، اسلام‌آباد، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۱- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ذیل جامع التواریخ رشیدی، چاپ خانبابا صفی، تهران، ۱۳۱۷ ش.
- ۱۲- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، زیة التواریخ، تصحیح سیدکمال حاج سیدحسینی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳- خودزکو، الکساندر، سرزمین گیلان، ترجمه دکتر سیروس سهامی، تهران، ۱۳۵۴ ش.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه.
- ۱۵- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۶- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- ۱۷- رابینو یا سنت لونی، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۸- رابینو یا سنت لونی، ولایات دارالمرزگیلان، ترجمه جعفر خماسی‌زاده، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۹- رضا، عنایت‌الله، آذربایجان و آران، تهران، ۱۳۶۰ ش.

- ۲۰- روبه‌نوا، ماریانا و اشرفیان، زارمای روونا، دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید مؤمنی، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- ۲۱- طبری، جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۲۲- عادل، حداد، دانشنامه جهان اسلام.
- ۲۳- عبدلی، علی، - الف، نگاهی به قوم تالش، فصلنامه تحقیقات ملی، سال ۲، ش ۸، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۴- عبدلی، علی، - ب، فرهنگ تطبیقی تالشی - تاتی - آذری دیرین، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۵- عبدلی، علی، نظری به جامعه عشایری تالش، تهران ۱۳۷۳ ش.
- ۲۶- عبدلی، علی، تالشی‌ها کیستند، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۷- عبدلی، علی، تاریخ کلدوس‌ها، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۸- فضل‌الله، رشیدالدین، جامع التواریخ، تصحیح دکتر محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۹- کسروی، سید احمد، کاروند کسری، به کوشش یحیی ذکا، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- ۳۰- لسترنج، گی، سرزمین‌های خافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۳۱- لنگرانی، میرزا احمد، اخبارنامه، به کوشش علی عبدلی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۲- مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- ۳۳- مینورسکی، ولادیمیر فدوروویچ، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مبسعود رجب‌نیا، تهران، ۱۳۶۱ ش.

34. Abolfazl Rajabov, *Shogirdi Talshi - Trki loqat*, Baku, 1992.

35. -----, *Talshlar, Talshi sado*, No.1, Baku, 1991.

36. Mohammadhasan Valili, *Azərbaycan*, Baku, 1993.

37. Shiri Avaz Sadiqzade, *Talshi Gramatika*, Sant-Peterzburg, 2002.